



۱۰ عادت بد که کارآفرینان پس از فارغ التحصیلی باید فراموش کنند

بله! بالاخره تمام شد و از خط پایان گذشتید. حالا با در دست داشتن این مدرک می‌توانید تجارتي را که سال‌ها برای راه‌اندازی‌اش تلاش کرده بودید شروع کنید، این‌طور نیست؟ نخیر این‌طور نیست، کجا با این عجله؟ پس از این همه سال که مدام درس خواندید و در کلاس‌های مختلف حضور داشتید ممکن است چند عادت بد را با خودتان از دانشگاه به زندگی واقعی آورده باشید. قبل از هر اقدامی اول این ۱۰ عادت بد را همان‌جا پشت در خوابگاه رها کنید تا یک شروع محکم و آینده‌دار داشته باشید:

۱. تعلل در انجام کارها

ممکن است طی دوران تحصیلتان توانسته باشید یکی دو تا پروژه یا کلاس را پشت گوش بیندازید یا در انجامشان تعلل کنید و اتفاق خاصی نیفتاده باشد اما در اقدام

برای شروع یک آرزو، انداختن کارها به دقیقه نود مخربترین عادت است. باید مطمئن باشید که همه چیز در اسرع وقت و زمان مناسب خودش انجام می‌شود. امروز و فردا کردن باعث ایجاد دردهای غیرقابل پیش‌بینی می‌شود و تجارت شما را به سمت و سوی مشکلات بزرگی مثل عدم رضایت مشتری سوق می‌دهد.

۲. لباس نامناسب

روزهای تی‌شرت و شلوار راحتی دیگر تمام شد. آن نوع لباس پوشیدن برای دانشگاه و فضاهای دوستانه مناسب بود. حالا دیگر باید لباس‌های متشخصانه را از کمد درآورده و درخور یک کارفرما لباس بپوشید. نوع پوشش شما مستقیماً نمایانگر شخصیتتان است. اگر به جلسه مهم یا مذاکره سرنوشت‌سازی می‌روید حواستان به خط اتوها باشد. اگر به کمدتان نگاه می‌کنید و به دنبال لباس مناسبی برای محل کار می‌گردید گزینه‌ای را انتخاب کنید که در آن احساس خوب و راحتی دارید و صد البته از بیرون شما را یک شخص حرفه‌ای و مقید معرفی کند.

۳. فرستادن بی‌وقفه پیامک

درست است که جهان امروز گرایش به تکنولوژی‌های جدید دارد و یکی از این فناوری‌های بسیار محبوب بین دوستان و همکاران فرستادن پیامک است؛ اما موقعیت‌هایی هم وجود دارند که در آن باید به جای نوشتن، گوشی تلفن را بردارید و صحبت کنید. یکی از این موقعیت‌ها وقت کسب‌وکار است. واقعا این کار را ممنوع کنید. وقتی در حضور ارباب رجوع همیشه نگران پیامک‌های جدید بر تلفن همراهتان باشید به مشتری و کسانی که کنار شما هستند بر می‌خورد و فکر می‌کنند به آن‌ها اهمیت نمی‌دهید. واقعا کمی گستاخانه به نظر می‌آید. از این به بعد قرار است موقعیت اجتماعی‌تان دستخوش تغییرات مثبت شوند، پس عاداتتان را هم باید تغییر دهید.

۴. قراردادن تمام اطلاعات خصوصی در رسانه‌های اجتماعی

عکس‌های تعطیلات بهاری و دوستان مختلف‌تان را در صفحات اجتماعی قرار ندهید. این تفریحات تا قبل از فارغ‌التحصیلی و در جمع دوستان و هم‌کلاسی‌ها جالب بود؛ اما حالا اصلاً فکر خوبی نیست که تمام جزئیات زندگی‌تان را در دسترس عموم قرار بدهید. تنظیمات فضای خصوصی و محرمانگی این سایت‌ها مدام در حال تغییرند و ممکن است متوجه نشوید که اطلاعات خصوصی‌تان در دسترس چه کسانی قرار می‌گیرد. خودتان فکر کنید، کسی که در شرکت شما را با کت و شلوار و پشت میز با کلی احترام می‌بیند، حالا با عکس‌هایی مواجه می‌شود که لب ساحل با شلوارک و رکابی راه می‌رود! اگر می‌خواهید جزئیات تعطیلات و مهمانی‌هایتان را با دیگران در میان بگذارید آن دیگران را فقط به شعاع کوچکی از دوستانتان محدود کنید.

۵. زندگی دانشجویی

دیگر این مرحله را گذرانده‌اید و فراز و نشیب‌هایش را چشیده‌اید. حالا می‌خواهید چیزی به وجود بیاورید که جهان تا به امروز به چشم ندیده است. به عنوان یک کارآفرین جوان می‌توانید از تجارب و روابط دیگران برای موفقیت استفاده کنید و لازم می‌بینم یادآوری کنم که این تجربیات به دوران دانشگاه ختم نمی‌شود. مکالمه‌های طولانی‌مدت با قشر به خصوصی از دوستان را فراموش کنید. در عوض باید مکالمات را تا جای ممکن کوتاه اما همه‌گیر کنید؛ یعنی درباره مسائلی بحث کنید که در کوتاه‌مدت به نتیجه می‌رسند و دامنه افراد بیشتری را برای شرکت در بحث شامل می‌شود.

۶. مهمانی‌های مکرر

خواب کافی مسئله بسیار مهمی است، به ویژه وقتی کارآفرین تازه‌کاری هستید که

می‌خواهد تجارت جدیدی را شروع کند. در دوران دانشجویی انتخاب میان شب‌نشینی با دوستان و در سوی دیگر خواب راحت و کافی واقعا سخت است؛ اما وقتی لباس کارفرماییتان را به تن می‌کنید باید همیشه آماده و سرحال باشید تا بتوانید در مواجهه با مسائل شوار تصمیمات درست بگیرید. برای خوش‌گذرانی همیشه وقت هست اما دنیای واقعی پیرامون مسائل واقعی و روزهای کاری می‌چرخد و باید بتوانید بین کار و تفریح تعدیل ایجاد کنید.

۷. غیر واقعی بودن

در طی دوران دانشگاه مکن است حین تقلب کردن مچتان را گرفته باشند یا از یکی دو تا دروغ مصلحتی قسر در رفته باشید، آن روزها تمام شدند. این خیلی مهم است که یک کارفرما درباره خدمات و محصولاتش با مردم صادق باشد. انتظاراتتان را بیان کنید و انتقاداتان را صادقانه مطرح کنید و تا جایی که ممکن است از غلو کردن پرهیز کنید.

۸. پیدا کردن ساده‌ترین راه

استفاده از حل تمرین‌ها و جزوه‌های کمکی دروس سخت دانشگاهی خیلی وقت‌ها زندگی‌مان را نجات داده‌اند اما در زمینه کاری، میانبرها ممکن است دقیقا بدترین راه‌حل باشند. کارآفرینی سفری است که در آن هیچ ضمانتی وجود ندارد. وقتی حرف تحقیق، تطابق و تولید به میان می‌آید کارآفرین موفق کسی است که پیگیر و سخت‌کوش باشد. **خلاقیت تقلب کردنی نیست!**

۹. وابستگی به دار و دسته خاصی از دوستان

دانشگاه از بیرون یعنی جایی برای تعامل با همه جور آدم و همه جور تفکر و تلاش برای سازگاری با آن‌ها؛ اما وقتی وارد آن می‌شوید زیاد هم با دبیرستان فرق نمی‌کند.

معمولا با گروهی از افراد رابطه برقرار می‌کنید و دوست می‌شوید که مشابه‌ترین تفکر و منش را با شما دارند و ارزش‌هایتان به هم نزدیک است؛ اما این افراد لزوما در زمینه کاری هم با شما هم عقیده نیستند و ممکن است باعث پیشرفت شما و تجارت‌تان نشوند یا اصلا شاید خود شما نخواهید در شیوه اداره کارتان نظر بدهند. به دنبال افراد فراسو رونده و فعال باشید، مهارت‌هایشان را ارزیابی و در نهایت اگر صلاح دانستید استخدامشان کنید.

۱۰. زیاده‌خوانی

از نظر من واقعا بدترین عادت دوران دانشجویی زیاده‌خوانی‌های شب امتحان است. کلاس‌ها تمام شده، کتاب‌خانه‌ها پر و هر کسی را که می‌بینی از کار و مطالعه سخت امتحان شکایت می‌کند. واقعیت این است که کارآفرینی یک روند شب امتحانی دائم است. یک درگیری همیشگی که اگر کارآفرین تازه‌کار و باهوش بتواند لذت بردن از این روند ثابت را پیدا کند موفقیتش را تضمین کرده است.